

نگاهی به تجاوز نظامی به یمن و پیامدهایش

به گزارش العربیه - خبرگزاری رسمی عربستان سعودی- تعدادی از کشورهای عربی به رهبری عربستان از روز پنج شنبه با حدود ۲۰۰ جنگنده بمباران یمن را آغاز کردند. عربستان به تنهایی یکصد جنگنده و ۱۵۰ هزار نیروی نظامی برای این عملیات آماده کرده است. عملیات "توفان قاطعیت" با فرمان پادشاه عربستان آغاز شد.

بهانه های تجاوز نظامی به یمن به قرار زیرند:

الف- نفوذ ایران در یمن. عبدالربه منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن در نشست سران اتحادیه عرب در مصر در ۸ فروردین ۹۴ گفت که شیعیان حوثی "بازیچه دست ایران" هستند که با بی‌تجربگی سیاسی یمن را به نابودی کشانده‌اند. هادی تاکید کرد که جمهوری اسلامی ایران "مسئول مستقیم ناآرامی‌ها در یمن" است.

ب- کودتای حوثی ها علیه رئیس‌جمهوری قانونی یمن.

پ- درخواست رئیس‌جمهور قانونی یمن برای مداخله نظامی در آن کشور.

درباره این جنگ جدید و پیامدهایش چند نکته قابل تأمل است:

یکم- قانون جنگل علیه قوانین بین‌المللی: مطابق منشور سازمان ملل، فقط با تصویب شورای امنیت سازمان ملل- آن هم در شرایطی که امنیت جهانی به خطر افتاده باشد- می‌توان به کشوری حمله نظامی کرد. آمریکا در آغاز قرن بیست و یکم این قوانین را زیر پا نهاد و به دیگران نیز آموخت که قوانین بین‌المللی فاقد اعتبارند و مطابق قانون جنگل، استفاده از زور مهمترین ابزار تعیین نظم جدید جهانی و منطقه ای است. حمله نظامی به یمن، تجاوز نظامی جدیدی است که شورای امنیت سازمان ملل را بیش از پیش بی اعتبار می‌سازد. خوب حکومت مافیایی پوتین هم به بهانه برکناری رئیس‌جمهور قانونی اوکراین، کریمه را بلعید و چند استان دیگر اوکراین را می‌خواهد.

دوم- رژیم های استبدادی ویرانگر: اکثر کشورهای منطقه دارای رژیم های فاسد استبدادی هستند. منتها دیکتاتوری یک طیف است که همه در یک جای آن قرار نمی‌گیرند. کشورهای چون عربستان سعودی، قطر، و... به دلیل فقدان انتخابات، از همه بیشتر از دموکراسی دورند. پادشاهی خاندان فاسد آل سعود در عربستان که همه مناصب سیاسی را میان دودمان خود توزیع کرده اند، حتی در حکومت محمد رضا شاه پهلوی وجود نداشت.

عربستانی که از همه دیکتاتوری های منطقه از دموکراسی دورتر است، برای رژیم های دیکتاتوری دارای انتخابات منطقه که از منظر دموکراسی و حقوق بشر وضع بهتری از آن عربستان دارند، تعیین تکلیف می‌کند. عربستان سعودی و متحدانش لیبی و سوریه را به چه روزی انداختند؟

در مصر با حمایت مالی ۱۲ میلیارد دلاری عربستان سعودی، امارات متحده و کویت؛ کودتای نظامی علیه رئیس جمهوری (مرسی) صورت گرفت که از طریق انتخابات دموکراتیک به قدرت رسیده بود و ژنرال کودتاگر - السیسی - جانشین رئیس جمهور منتخب شد. به گزارش نهادهای بین المللی حقوق بشری، بیش از هزار تن را در کودتا کشتند، چندین برابر را زخمی ساخته و هزاران تن را زندانی کرده اند. میزان سرکوب ژنرال کودتاگر از دوران حسنی مبارک هم بیشتر بوده و نیروهای سکولار و لیبرال فعال در انقلاب مصر را هم زندانی کرد. نهادهای حقوق بشری آن سرکوب ها را شدیدترین سرکوب های تاریخ مصر خوانده اند.

سرلشکر عبد ربه منصور الهادی - متولد ۱۹۴۵ - از ۱۹۹۴ معاون رئیس جمهور یمن (علی عبدالله صالح) بود. وقتی بهار عرب به یمن رسید و مردم علیه رژیم انقلاب کردند، عربستان سعودی جای رئیس جمهور را با معاونش عوض کرد. سپس در ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ انتخاباتی ریاست جمهوری برگزار کردند که فقط یک نامزد داشت: عبدربه منصور. در نتیجه او با ۹۹ درصد از آرای بیش از ۶۰ درصد یمنی ها به عنوان رئیس جمهور "مرحله انتقالی" انتخاب شد. اما "مرحله انتقالی" بودن فراموش شد و هیچ تحولی صورت نگرفت.

سوم- شیعیان دوازده امامی و زیدیه : شیعیان دوازده امامی، شیعیان غیر دوازده امامی را حقیقتاً شیعه به شمار نمی آورند. آیت الله مکارم شیرازی برای انکار امام زمان (فرزند امام یازدهم) حکم ارتداد صادر می کند، در این صورت منکران ۶ یا ۱۱ امامی چه وضعی دارند؟ شیعیان دوازده امامی در طول تاریخ روابط دوستانه ای با شیعیان غیر دوازده امامی نداشته اند. در زمان هایی علوی های تک امامی را تکفیر کرده اند. مذهب زیدی ها هم به هیچ وجه مقبول امامیه نبوده و نیست.

زیدی های یمن در طول تاریخ گرفتار تبعیض های ساختاری و سرکوب های دائمی بوده اند. جنبش حوتی ها نمی توانست پیش رود، اگر حاکمان مستبد یمن گرفتار فساد گسترده نبودند و اکثریت مردم کشور را ناراضی نمی ساختند. نمی توان مسائل و مشکلات ساختاری یمن را به گردن جمهوری اسلامی انداخت.

چهارم- نفوذ و حضور ایران در یمن: هیچ قرینه و شاهدهی مبنی بر نفوذ جمهوری اسلامی دوازده امامی بر زیدی های یمن وجود ندارد. مدعیان باید شواهد و مدارک نفوذ جمهوری اسلامی در میان حوتی ها را ارائه کنند. ایران در طول سه دهه گذشته هیچ پروازی به یمن نداشته و فقط اخیراً تعدادی پرواز به یمن داشته است.

تأکید بر نفوذ ایران در میان حوتی های یمن تبلیغات سیاسی برای ایران هراسی گسترده و پیگیری اهداف کشور های سرکوبگر منطقه است. آنان با این ترفند قصد دارند که ایران را گرفتار دامی که پهن کرده اند، کنند. به همین دلیل العربیة در روز جمعه با انتشار تصویری از حضور سردار سلیمانی در یمن سخن گفت. یعنی درست در روزی که سردار سلیمانی در مراسم عزاداری بیت رهبری، در کنار آیت الله خامنه ای نشسته بود.

خامنه ای و پیروانش با این که بیش از همه از واقعیت اطلاع دارند، می کوشند تا خود را در منطقه بسیار قدرتمند قلمداد کنند. به همین دلیل عدم نفوذ واقعی و حضورشان در یمن را آن چنان که باید تکذیب نمی کنند. خیال باطل می برند که "قدرت بزرگ و برتر منطقه ای" به شمار آوردن جمهوری اسلامی به سود ایران است. اما مشارکت در این بلاهت به اتحاد کشورهای منطقه علیه ایران می انجامد. اگر جمهوری اسلامی دارای آن چنان قدرتی است که مسیر تحولات کشورهای منطقه را تعیین می کند، باید بتواند مسائل و مشکلات ایران را حل و رفع کند. نه آن که ایران را گرفتار خطرهای عظیم بین المللی و منطقه ای سازد.

پنجم- سر مار ایران را قطع کنید: همه کشورهای عربی منطقه، اسرائیل، ترکیه، روسیه و چین از تخاصم ایران و آمریکا سودهای کلان برده و می برند. آنان نمی خواهند که روابط ایران و آمریکا بهبود یابد. ممانعت از توافق نهایی هسته ای، برای آنان دو منفعت بزرگ دارد: الف- عدم بهبود روابط ایران و آمریکا. ب- افزایش تخاصم آمریکا با ایران از طریق افزایش تحریم ها و حمله نظامی احتمالی به ایران.

همه به یاد دارند که یکی لیکس اسناد دیدار رهبران عربستان سعودی با دولت جرج بوش را منتشر کرد که رهبران سعودی از دولت بوش می خواستند که با حمله نظامی به ایران، "[سر مار را قطع کنند](#)". عربستان با موجودیت کشور بزرگی چون ایران- فارغ از نظام سیاسی اش- مسأله دارد. خبرگزاری رسمی دولت عربستان سعودی اخیراً [مقاله هایی](#) منتشر کرده که رسماً خواهان حمله نظامی دولت های عربی به ایران و تجزیه ایران از طریق جداسازی خوزستان از آن است. ادعایشان این است که خوزستان عربستان بوده و رضا شاه به زور آن را جزو ایران کرده است. آخوندی که داعش را "نیروهای انقلابی مردمی" می خواند نیز خواهان حمله نظامی به ایران و نجات مناطق عرب نیشن شده است.

عربستان سعودی بارها مخالفت خود را با توافق هسته ای اعلام کرده است. عربستانی که [۸۰ تا ۱۰۸ میلیارد دلار](#) در بخش انرژی هسته ای سرمایه گذاری کرده، [فقط بیش از ۶۷ میلیارد دلار سلاح نظامی در سال ۲۰۱۳ خریداری کرده](#)، اینک تهدید می کند که در صورت نهایی شدن توافق هسته ای میان ایران و غرب، برای حفاظت از خود دست به هر کاری خواهد زد. تحلیل گران سیاسی و نظامی گفته اند که معنای این تهدید ساختن سلاح اتمی یا خرید سلاح اتمی [از پاکستان] است.

ششم- به دام انداختن ایران: حمله نظامی به یمن برای این صورت گرفته است که ایران را به دام بیندازند. گمان می کنند که شاید رهبران جمهوری اسلامی از سر بلاهت و اکنش نظامی نشان دهند و بدین ترتیب، مذاکرات هسته ای متوقف شده و کل این فرایند معکوس شود. اما خوشبختانه رهبران جمهوری اسلامی حتی اگر **بخواهند، نمی توانند** در یمن مداخله نظامی کنند. ایران هیچ راهی به یمن ندارد و فرماندهی عملیات "توفان قاطعیت" اعلام کرده که کنترل کامل مرزهای زمینی و دریایی و هوایی یمن در اختیار دولت های متجاوز قرار دارد. ناممکن بودن دخالت جمهوری اسلامی در یمن، به سود ایران بوده و تبلیغات دروغین را باطل می سازد.

جمهوری اسلامی اسلامی به جای توجه به یمن، باید به سرعت تمام، توافق هسته ای با دولت های غربی را نهایی سازد و ایران را از خطرهای بزرگ برهاند. بهبود روابط با دولت آمریکا باید در الویت قرار

گیرد. روابط دوستانه ایران و آمریکا قطعاً به سود "منافع ملی ایران" و بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران است. فرصت استثنایی ریاست جمهوری اوباما معلوم نیست که دوباره تکرار شود.

هفتم- نابودی یک کشور دیگر: هیچ امری بدتر از جنگ نیست. جنگ میلیون ها انسان را کشته و زخمی و آواره می سازد. زیرساخت های کشور مورد تهاجم را نابود می سازد. به گزارش های فرماندهی عملیات متجاوزانه بنگرید که نابودی زیرساخت ها را گزارش می کنند. تاکنون ده ها غیر نظامی کشته و صدها تن زخمی شده اند.

گروه تروریستی القاعده سال هاست که در یمن حضوری فعال داشته و آمریکا با هواپیماهای بدون سرنشین دائماً آنها را موشک باران کرده است. در شرایط تهاجم نظامی به یمن، این نوع گروه های تروریستی رشد بیشتری کرده و کشور را به مرداب تروریسم تبدیل خواهند کرد.

به تاریخ قرن بیست و یکم سه کشور بنگرید. پس از ۱۱ سپتامبر، فقط در افغانستان و عراق و پاکستان، دست کم یک میلیون و سیصد هزار انسان کشته شده اند.

هشتم- برنده اصلی و بازندگان: اصل تنظیم کننده این است: اسرائیل باید قدرت برتر نظامی منطقه باقی بماند و هیچ رقیبی نداشته باشد. اسرائیل دارای صدها سلاح اتمی، شیمیایی و میکروبی است. دولت اسرائیل بارها و بارها دولتمردان آمریکایی را به حمله نظامی به عراق، سوریه، ایران، و... تشویق کرده اند. ارتش های عراق، لیبی و سوریه را به سود اسرائیل نابود کردند. اینک در حال نابودی ارتش یمن هستند. به تحولات منطقه از این زاویه هم باید نگریم.

نهم- القاعده و داعش سازان: همه می دانند که گروه هایی چون طالبان، القاعده، داعش، جبهه نصرت، و... توسط کشورهای عربستان سعودی، قطر، امارات متحده، و... ساخته شده اند. جو بایدن- معاون رئیس جمهور آمریکا- چندی پیش رسماً از عربستان سعودی، قطر، امارات متحده و ترکیه نام برد و گفت که این متحدان ما بودند که گروه هایی چون داعش را ساختند.

دهم- جنگ شیعه و سنی: کشورهای حوزه خلیج فارس برای فرار از موج بهار عرب، آن را به جنگ شیعه و سنی تبدیل کردند. به تعبیر دیگر، شکاف اصلی دیکتاتوری و دموکراسی خواهی، به شکاف شیعه و سنی تبدیل شد. این نزاع به سود دیکتاتورهای خودکامه منطقه و به زیان مردم کل منطقه و دموکراسی خواهان است.

تشیع و تسنن دو روایت از دعوت پیامبر اسلام هستند. این دو روایت در طول ۱۴ قرن گذشته بسیاری از قوای خود را به فعلیت رسانده اند. هر دو روایت رسمی موجود با دموکراسی، آزادی، برابری، حقوق بشر، کثرت گرایی، رواداری، و... تعارض دارند. این روایت ها از نظر اخلاقی و معرفتی قابل دفاع نیستند، اما مستبدان پشت آنها سنگر گرفته و دیکتاتوری خود تداوم می بخشند.

فقیهان جمهوری اسلامی رسماً از "شهادت حضرت زهرا" سخن می گویند. معنای این مدعا این است که خلیفه دوم- عمر- حضرت زهرا را به شهادت رسانده است. این مدعای کاذب فقط و فقط به درد دامن زدن

به نزاع بیشتر شیعیان و سنیان می خورد. آیا مضحک نست که عمر فرزند پیامبر اسلام را به قتل برساند و فرد شجاعی چون علی بن ابی طالب فرزند خودش و زهرا را به عقد عمر در آورد؟

در بستر تبعیض، سرکوب، فساد، تحقیر، و... تندترین نیروها بسیج می شوند و برای خود "هویت سازی" می کنند. نیروهای بسیج شده، برای هویت سازی، به نزدیک ترین منابع در دست، رجوع می کنند. هویت سازی بر اساس تشیع و تسنن، یا کرد و فارس و ترک و بلوچ و عرب و... صورت می گیرد.

اما دموکراسی خواهان باید بدانند که دامن زدن به این نوع نزاع ها و هویت سازی ها به زیان فرایند دموکراتیزه کردن منطقه است. مسأله اصلی نزاع های قومی و مذهبی نبوده و نیست. مسأله اصلی تبعیض، نابرابری، سرکوب، فساد، و استبداد است. اگر راهی به سوی رهایی برای منطقه وجود داشته باشد، این راه از طریق هویت سازی پیرامون ارزش هایی چون حقوق بشر، دموکراسی، برابری، کثرت گرایی، رواداری، و... است. دامن زدن به نزاع های قومی و مذهبی، یعنی افتادن به دام دیکتاتورهای منطقه.

منبع: رادیو زمانه ، ۰۹ فروردین ۱۳۹۴